

گفت و گو با بهروز سروعلیشاهی

کارگردان نمایش «تفنگ‌های ننه کارار»

غیر برشتی‌ترین نمایشنامه برتولت برشت!



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

این است که انتخاب متن تصادفی بوده و خب من هم حس خوبی به نمایشنامه «تفنگ‌های ننه کارار» داشتم. در کل همیشه دلم می‌خواست اثری از برشت را روی صحنه ببرم. آن زمان که نوجوان بودم دوست داشتم نمایشنامه «استثناء و قاعده» را روی صحنه ببرم. در آن دوران این متن خیلی مورد توجه بود.

به نظر تان برتولت برشت و شیوه او در تئاتر امروز چه جایگاهی دارد؟

به نظرم برتولت برشت، «ویلیام شکسپیر» قرن بیستم است. یعنی یکی از لولاهای تئاتر در تاریخ دو هزار و پانصد، ششصد ساله موجود، برشت است. یک پاس کاری میان میر هولد و اروین پیسکاتور صورت می‌گیرد که گل نهایی را برتولت برشت می‌زند. آن تئاتر سیاسی با برشت کامل می‌شود. می‌توانیم بگوییم تا قبل از برتولت برشت تئاتر سیاسی نداشته‌ایم.

اتفاقات پیرامون چقدر در نوع و نحوه نگارش و اجرای آثار تان تاثیر دارد؟

درباره «تفنگ‌های کارار» باید بگویم ظاهر نمایش ما با شرایط فعلی تنه به تنه می‌زند؛ ولی در واقع این شرایط است که خودش را با چنین آثار و نمایشنامه‌هایی آپدیت یا به روز می‌کند. من با وجود احترامی که برای «هنر برای هنر» قائل هستم، اما آن را در خودم پیدا نکرده‌ام. من طبق نظریه «هنر برای اجتماع» به فعالیت پرداخته‌ام. سهراب سپهری را مثال می‌زنم؛ زمانی که اشعار ایشان را می‌خوانیم هر چقدر هم تلاش کنیم نمی‌توانیم به آن خلوص لازم برسیم. درست است که سپهری از طبیعت و زندگی می‌گوید و اشعارش بیان گر زیبایی هستند، اما زمانی که چنین آثاری را زیر فشار انواع استرس‌ها و فشارهای موجود می‌خوانیم، نمی‌توانیم آن لذتی که باید را ببریم؛ بخصوص در عصری که خود سهراب سپهری هم تبدیل به یک جنس گران قیمت در حراجی‌ها شده است. در چنین حالتی است که خودمان را در مقابل چنین شاعری خلع سلاح می‌کنیم. یا مثلاً می‌توانیم برای نشان دادن سنت‌ها اثری روحی را به مرحله اجرا برسانیم. من می‌گویم پرداختن به چنین مواردی و تولید چنین آثاری کافی است. کمی هم بیایم و اجتماع را منعکس کنیم؛ آن هم خیلی جدی. نه اینکه با موضوعات به شوخی پردازیم و با تیکه انداختن و کنایه زدن حرف‌مان را بزنییم. ایلنا

یا نویسنده‌ای مانند پیر کورنه همگی دراماتورژ محسوب می‌شده‌اند. شما در فرانسه هم فعالیت‌های آکادمیک داشته‌اید. آیا این «دراماتورژی» در اروپا و کشوری چون فرانسه همچنان روال و معمول است و مانند ایران اغلب متن‌ها پیش از اجرا دراماتورژی می‌شوند؟

بله این روال قطعاً وجود دارد. البته این کار لزوماً توسط کارگردان انجام نمی‌شود و گاه انجام آن را به فردی دیگر می‌سپارند. بگذارید کمی خودمانی‌تر حرف بزنم. شما حساب کنید هر محصولی برای مصرف یک گروه، باید اصطلاحاً آب‌بندی شود. نمایشنامه و اجرای آن هم چنین حالتی دارد. البته در اینکه «دراماتورژی» مقوله‌ای بسیار مهم است هیچ شکی نیست. در این زمینه حتی می‌توان پارافراتر گذاشت و به مقولات مهم دیگر هم توجه کرد. شما شرایط گروه و ویژگی بازیگران را در نوع دراماتورژی موثر می‌دانید، اما موضوع فراتر از اینهاست. مثلاً اگر قرار بود شما همین نمایش را در فرانسه روی صحنه ببرید به احتمال زیاد دراماتورژی شما بر اساس شرایط و فضای همان کشور دچار تغییرات عمده‌ای می‌شد. این نوع کارها را نگرش کارگردانانه می‌گویند.

زمانی که شما اثری از برشت را روی صحنه می‌باید، مخاطبان جدی تئاتر توقع دارند نمایشنامه را با قواعد و قواعد و چهار چوب‌های متد فاصله‌گذاری برشتی در آن رعایت شده باشد. آیا اجرای شما هم بر همین است؟

در پاسخ به سوالاتان باید بگویم متن نمایشنامه «تفنگ‌های ننه کارار» غیر برشتی‌ترین نمایشنامه برشت است. آن مولفه‌ها و شاخصه‌هایی که متد برشت فاصله‌گذاری را ایجاد می‌کند در این اثر وجود ندارد. مثلاً خارج شدن بازیگر از نقش و ارتباط مستقیمش با تماشاگر یکی از قواعد متد فاصله‌گذاری است. در نمایشنامه «تفنگ‌های ننه کارار» چنین مواردی وجود ندارد. اصلاً باید بگویم این اثر ارسطویی‌ترین نمایشنامه برتولت برشت است.

آیا انتخاب مضمون جنگ و اجرای اثری با این محتوا عامدانه بوده است؟

در ابتدا بگویم که جنگ همیشه درگیری بین دو کشور نیست. گاه جنگ بین عقاید مختلف مردم یک کشور شکل می‌گیرد که خودمان هم شاهدش هستیم. این نیز در نوع خود یک جور جنگ است. واقعیتش

«تفنگ‌های ننه کارار» یکی از آثار برتولت برشت نویسنده، کارگردان و نظریه پرداز آلمانی تبار است. این اثر در ایران شناخته شده نیست و فقط یک‌بار به صورت رسمی ترجمه شده است. بهروز سروعلیشاهی این اثر را با ترجمه و دراماتورژی خودش روی صحنه برده است. برتولت برشت آثار متعددی دارد که اغلب آن‌ها در ایران ترجمه و اجرا شده‌اند. اما در میان این آثار «تفنگ‌های ننه کارار» یکی از نمایشنامه‌هایی است که فقط یکبار به زبان فارسی ترجمه شده است. بهروز سروعلیشاهی نویسنده و کارگردان تئاتر به تازگی این اثر را در کارگاه نمایش واقع در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برده است که به جز خود او، سایه کبیری، مهدی بازدار، مجید تیزرو، فریبا بیکلو، عبدالرضا صفری دریایی و آرزو خلیلی در این اثر ایفای نقش می‌کنند. در خلاصه اثر آمده است: «بی طرفی» در شرایطی خاص که می‌بایست مبارزه کرد، صرفاً نقابی است که «بز دلی» پشت آن پنهان شده است. اواخر دهه سی میلادی. اسپانیای تحت سلطه ژنرال فرانکو، درگیر جنگ داخلی است. خانم کارار، حالا که شوهرش را کشته‌اند؛ می‌خواهد پسرانش را از مبارزه علیه رژیم فرانکو بازدارد اما...

آیا نمایشنامه «تفنگ‌های ننه کارار» در ابتدای زندگی هنری برشت به رشته تحریر در آمده است؟

این اثر نه قبل و نه بعد؛ بلکه در میانه فعالیت‌های او نوشته شده است. اما به لحاظ دسته‌بندی باید بگویم «تفنگ‌های ننه کارار» جزو نمایشنامه‌هایی است که برشت با مضمون جنگ نوشته است. مانند نمایشنامه «ننه دلاور» اما در ابعاد کوچکتر. من به فراخور موقعیت و فضا به ترجمه اثر پرداخته‌ام و خودم را مترجم نمی‌دانم.

آیا تابحال اثری از نمایشنامه نویسان ایرانی را روی صحنه برده‌اید؟

تنها متن ایرانی که کار کرده‌ام اثری از زنده‌یاد محمود استاد محمد بود که «آخرین بازی» نام دارد. این اثر را سال نود و سه در خانه هنرمندان و سالن استاد انتظامی روی صحنه بردم. کلاً مقوله «دراماتورژی» هنوز تعریف مشخصی در ایران ندارد. معمولاً دوستان هر کاری با متن می‌کنند و هر تغییری که ایجاد می‌کنند نامش را دراماتورژی می‌گذارند. اصلاً تا قرن نوزدهم در فرانسه به فردی که درام می‌نوشته، دراماتورژ می‌گفته‌اند. افرادی مثل مولیر، ژان راسین

تازده‌ترین محصول سازمان سینمایی سوره
... و بنیاد سینمایی فارابی ...



به زودی...